



عقاید و نظرات مندرج در این پایان‌نامه اختصاص به نویسنده داشته و
ارتباطی به موسسه ندارد.

نویسنده‌ی پایان‌نامه متعهد است که قانون مالکیت معنوی را رعایت نموده
و از اقتباس مطالب دیگران بدون ذکر ماخذ خودداری نموده است؛ و در
صورت استفاده از مطالب این پایان‌نامه در کتب یا مجلات یا همایش‌ها
از داخلی یا خارجی - نام کامل و نشانی موسسه را قید نماید.

- اعم

الهام نیک‌پور

با تشکر از:

استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر بهرام درویش - به سبب

راهنمایی‌های بی‌دریغ؛

استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر جمشید یحیی‌پور - به سبب قبول

زحمت مطالعه مطالب و ارشاد؛ و

همه کسانی که در ادوار مختلف تحصیل، به هرنوع در باروری این جانب

موثر بوده‌اند.

الهام نیک‌پور

با قلبی مالا مال از عشق خالصانه و تشکر بی پایان، تقدیم می‌نمایم به:

مادر عزیز و فداکارم به خاطر نقش منحصر به فردش در همه ابعاد و
موفقیت‌ها؛ و

جناب آقای مهندس شاهرخ بدوی پور به خاطر نقش پدرگونه و
حمایت‌های بی‌دریغ معنوی و مالی.

الهام نیک پور

چکیده:

موضوع این پایان‌نامه (امارات مطلق و نسبی در حقوق ایران) بیش از هر چیز به بخشی از حقوق مرتبط است که به ادله اثبات یک ادعا -حقوقی یا کیفری- می‌پردازد. اماره -چه قانونی و چه قضایی- بر دو نوع مطلق و نسبی است. اماره مطلق آن است که اجازه اثبات خلاف آن داده نمی‌شود و اماره نسبی عکس آن است. امارات از هر نوع مبتنی بر اموری هستند که در عالم خارج، غالباً جاری می‌باشد و در نتیجه، کاشف از واقع امر هستند و به تبع این معنا، حین تعارض با اصل عملی که صرفاً برای رفع تحیر وضع شده‌اند، بر آن حاکم می‌شوند. این پایان‌نامه -پس از بیان کلیاتی در باره دلیل، انواع ادله اثبات (کیفری یا حقوقی) و تقسیسات اماره (فصل اول)- با استقراء در قوانین (عمدتاً، قانون مدنی، قانون تجارت، قانون آیین دادرسی مدنی، قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری)، جمعا ۱۶ اماره مطلق را در فصل دوم و ۱۸ اماره نسبی را در فصل سوم، استخراج و مورد بررسی قرار داده و مآلاً از جمله، نتیجه‌گرفته است که به‌رغم تصور ابتدایی، تعداد امارات مطلق در حقوق ایران بسیار زیاد است. برای اجتناب از اطاله نوشتار، از استقراء تام در قوانین ایران اجتناب شده است که این بدان معنا است که راه برای استخراج امارات دیگر در حقوق ایران، کماکان باز است. امارات قانونی نسبی زحمت دادرس را برای فیصله دادن دعوا بسیار کم می‌کند. زیرا با وجود آن‌ها، دادرس مکلف می‌شود تا بدون تحمل زحمت کشف و بررسی هر دلیل دیگری، بر اساس آن امارات رای دهد مگر آن‌که مدعی، خلاف آن اماره را ثابت کند. این زحمت در باره امارات قضایی مطلق به نحو قابل ملاحظه‌ای، کم‌تر می‌شود زیرا با وجود آن‌ها، دادرس مکلف به انشای رای بر اساس آن‌ها می‌شود بی‌آن‌که نوبتی برای اثبات خلاف آن اماره داده شود.

واژگان کلیدی: فرض (اماره)، اماره مطلق، اماره نسبی، اماره قضایی، اماره قانونی، اجازه اثبات خلاف، دلیل.

فهرست عناوین اصلی

عناوین اصلی

صفحات

۲	مقدمه
۳	بند اول: بیان و تحلیل پیشینه تحقیق در زمینه مرتبط به این پایان نامه
۴	بند دوم: روش تحقیق در این پایان نامه
۵	بند سوم: طرح کلی مباحث

فصل اول (کلیات)

۸	گفتار اول: تعریف دلیل و اثبات
۸	مبحث اول: دلیل
۸	مبحث دوم: اثبات
۹	گفتار دوم: انواع ادله اثبات در امور کیفری
۹	مبحث اول: معاینه محل
۱۰	مبحث دوم: تحقیق محلی
۱۰	مبحث سوم: کارشناسی
۱۱	مبحث چهارم: تفتیش منازل و اماکن
۱۲	مبحث پنجم: اقرار
۱۲	مبحث ششم: سند
۱۳	مبحث هفتم: شهادت
۱۴	مبحث هشتم: قسامه
۱۴	مبحث نهم: علم قاضی
۱۵	مبحث دهم: امارات

۱۶	گفتار سوم: انواع ادله اثبات در امور حقوقی
۱۶	مبحث اول: اقرار
۱۶	بند اول: تعریف اقرار
۱۶	بند دوم: شرایط اقرار
۱۷	مبحث دوم: اسناد
۱۹	مبحث سوم: شهادت
۱۹	مبحث چهارم: سوگند
۲۰	مبحث پنجم: تحقیق محلی
۲۱	مبحث ششم: معاینه محلی
۲۱	مبحث هفتم: کارشناسی
۲۱	مبحث هشتم: امارات
۲۲	بند اول: تعریف
۲۳	بند دوم: اقسام اماره
۲۴	الف) اماره قضایی
۲۵	ب) اماره قانونی
۲۷	ج) تفاوت اماره قانونی با اماره قضایی
۲۸	بند سوم: اقسام اماره
۲۹	الف) اماره نسبی
۲۹	ب) اماره مطلق

- گفتار اول: اماره مطلق در قانون مجازات اسلامی ۳۲
- مبحث اول: فرض علم افراد به قانون کیفری ۳۲
- بند اول: فرض جهل افراد به امور موضوعی ۳۲
- بند دوم: نظریه نسبی بودن فرض علم به احکام جزایی اسلام ۳۲
- بند سوم: نظریه نسبی بودن فرض علم به احکام جزایی بشری ۳۳
- بند چهارم: نظریه مطلق بودن فرض علم به احکام جزایی بشری ۳۴
- بند پنجم: نظریه برگزیده از میان دو نظریه بالا ۳۴
- مبحث دوم: فرض قصد قتل درحالت ارتکاب فعل نوعاکشنده ۳۴
- مبحث سوم: فرض قصد کشتن درحالت ارتکاب فعل استثنائا ۳۸
- کشنده در شرایط علم به وضع استثنایی مجنی علیه
- مبحث چهارم: فرض قصد قطع یا جرح عضو درحالت ارتکاب فعل نوعاقاطع یا جرح ۴۱
- مبحث پنجم: فرض قصد قطع یا جرح عضو درحالت ارتکاب فعل ۴۲
- استثنائا قاطع یا جرح توام با علم به وضع خاص مجنی علیه
- گفتار دوم: اماره مطلق در قانون مدنی ۴۲
- مبحث اول: فرض تقصیر صاحب خانه در آسیب سگ خانه به فرد ماذون در ورود به خانه ۴۲
- مبحث دوم: اماره مطلق بر حرج زوجه موضوع ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ۴۳
- بند اول: شرایط و محدوده اعمال ماده ۱۱۳۰ ق.م. ۴۴
- بند دوم: اماره مطلق بودن شقوق تبصره ماده ۱۱۳۰ بر وجود حرج ۴۶
- مبحث سوم: اماره مطلق بودن التزام به انتقال توابع عرفی مبیع ولو در فرض جهل به وجود عرف ۴۷
- بند اول: شرح ماده ۳۵۶ ق.م. ۴۷
- بند دوم: معیارهای تشخیص توابع مبیع ۴۹
- بند سوم: خلاف ضوابط کلی بودن حکم ماده ۳۵۶ به مطلق بودن اماره موضوع این ماده ۵۰
- مبحث چهارم: بررسی مطلق یا نسبی بودن اماره التزام به عرف در مواد ۲۲۰، ۲۲۴ و ۲۲۵ قانون مدنی ۵۱
- بند اول: بیان قاعده ۵۱
- بند دوم: قول دکتر کاتوزیان به مطلق بودن اماره موضوع مادتين ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی ۵۲
- بند سوم: قول دوم مبنی بر نسبی بودن اماره موضوع مادتين ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی ۵۴

- ۵۶ مبحث پنجم: اماره مطلق بر ایرانی بودن فرد مجهول‌الابوینی که در ایران متولد شده
- ۵۷ مبحث ششم: اماریت سن برای بلوغ
- ۵۷ بند اول: مفهوم بلوغ
- ۵۸ بند دوم: مطلق بودن اماریت ۹ و ۱۵ سالگی بر بلوغ در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی
- ۵۹ بند سوم: عدم تغییر اماریت مربوط به سن بلوغ در ماده ۱۰۴۱ اصلاحی قانون مدنی
- ۶۰ مبحث هفتم: اماره مطلق بر مخالف نظم عمومی بودن طرح برخی از امور حقوقی پس از مرور زمان
- ۶۱ بند اول: معنای مرور زمان
- ۶۲ بند دوم: اثر اقسام مرور زمان بانگارش به اماره بودن آن
- ۶۲ بند اول: مرور زمان مربوط به طرح دعوا برای طلب در حقوق خارجی
- ۶۶ بند دوم: مرور زمان موضوع مواد ۲۸۶، ۲۸۷ و ۳۱۵ ق.ت.
- ۶۶ بند سوم: مرور زمان مربوط به اعتراض به آرا یا تصمیمات قابل اعتراض
- ۶۶ بند چهارم: مرور زمان مربوط به عدم اعمال حق در فرجه مربوط به فوریت عرفی
- ۶۷ بند سوم: ضرورت تفسیر مضیق مرور زمان
- ۶۷ مبحث هشتم: فرض مطلق بر عدم آمادگی خواننده برای دفاع در کمتر از ۵ روز پس از ابلاغ دادخواست
- ۶۸ مبحث نهم: مطلق بودن فرض کفایت ۲ ماه برای طرح دعوی انکار ولد
- ۶۹ مبحث دهم: ردّ دادرسی موضوع ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی
- ۶۹ بند اول: موارد ردّ
- ۶۹ بند دوم: اهمیت رد دادرسی
- ۷۰ بند سوم: فلسفه رد دادرسی
- ۷۱ بند چهارم: عدالت: اماره مطلق بر عدم خروج از بی طرفی حتی در موارد رد موضوع ماده ۹۱
- ۷۱ بند پنجم: اماره نسبی بودن عدالت شرعی
- ۷۲ بند ششم: مطلق بودن فرض خروج دادرسی از بی طرفی در موارد رد دادرسی
- ۷۲ گفتار سوم: اماره مطلق در قانون تجارت
- ۷۲ مبحث اول: مطلق بودن فرض تضردیان در معاملات تاجر متوقف
- ۷۳ بند اول: وجه اختلاف میان مواد ۴۲۳ و ۵۵۷ قانون تجارت
- ۷۳ بند دوم: مطلق بودن اماره موضوع مواد ۴۲۳ و ۵۵۷ قانون تجارت

۷۵

فصل سوم: امارات نسبی

- گفتار اول: اماره نسبی در قانون مدنی ۷۶
- مبحث اول: فرض ایرانی بودن کلیه ساکنین ایران ۷۶
- مبحث دوم: فرض بلوغ در حالت بروز علائم بلوغ ۷۶
- مبحث سوم: اماره بودن ۱۸ سالگی برای رشد ۷۷
- بند اول: مفهوم رشد ۷۷
- بند دوم: معنای اماره رشد و فلسفه وضع آن ۷۷
- بند سوم: وضعیت اماره رشد در ماده ۱۲۰۹ ق.م. سابق ۷۸
- بند چهارم: وضعیت اماره رشد در ماده ۱۲۱۰ اصلاحی ۷۸
- بند پنجم: نقد ماده ۱۲۱۰ اصلاحی و وحدت رویه مربوطه ۷۹
- بند ششم: اماره بودن ۱۸ سالگی برای رشد در ماده واحد رشد متعاملین ۸۰
- مبحث چهارم: فرض عدم اقدام فرد علیه خود ۸۱
- مبحث پنجم: فرض نسبی بودن علم افراد به مقررات مدنی ۸۱
- مبحث ششم: فرض عدم تبرع ۸۲
- مبحث هفتم: فرض براءت ۸۳
- بند اول: تعریف ۸۳
- بند دوم: مصادیق اصل براءت در قوانین ایران ۸۴
- بند اول: قانون اساسی ۸۴
- بند دوم: قانون مدنی ۸۴
- بند سوم: قانون آیین دادرسی مدنی ۸۵
- بند چهارم: قوانین جزایی ۸۵
- بند سوم: آثار اصل براءت در آیین دادرسی کیفری ۸۶
- بند چهارم: معنای اماره براءت در مراحل مختلف دادرسی کیفری و مقایسه آن با امور حقوقی ۸۶
- بند پنجم: نسبی بودن اماره براءت در امور کیفری و حقوقی ۸۹
- مبحث هشتم: فرض مدیونیت در حالت وجود سند ذمه‌ای نزد مدعی ۸۹
- مبحث نهم: اماره عدم تقصیر مالک یا متصرف حیوان ضررزننده ۹۰
- مبحث دهم: فرض صحت اعمال حقوقی ۹۲
- بند اول: مبنای قانونی اصل صحت و دامنه آن ۹۲
- بند دوم: دلیل وضع اصل صحت ۹۳
- بند سوم: پیش شرط اجرای فرض صحت و نسبی بودن این فرض ۹۳

۹۵	مبحث یازدهم: اماره صحت مندرجات سند رسمی
۹۵	بند اول: اعلامیات مامور رسمی
۹۷	بند دوم: اعلامیات افراد
۹۸	مبحث دوازدهم: اماره تصرف
۹۸	بند اول: تعریف تصرف
۹۹	بند دوم: تصرف به عنوان مالکیت
۱۰۱	بند سوم: اماره بودن تصرف بر مالکیت
۱۰۲	بند چهارم: فلسفه وضع قاعده ید
۱۰۳	مبحث سیزدهم: اماره فراش
۱۰۴	مبحث چهاردهم: فرض نزدیکی در دوران زوجیت
۱۰۵	مبحث پانزدهم: فرض الحاق طفل به شوهر دوم در صورت دلالت قاعده فراش به امکان الحاق طفل به هریک از دوشوهر
۱۰۶	گفتار دوم: اماره نسبی در قانون تجارت
۱۰۶	مبحث اول: فرض تجارتي بودن معاملات تاجر
۱۰۷	مبحث دوم: فرض اعتبار مبلغ حروفی در سند تجاری حین تعارض آن بامبلغ عددی
۱۰۸	مبحث سوم: فرض اعتبار مبلغ حروفی کمتر در سند تجاری حین تعارض بامبلغ حروفی بیشتر و ارتباطش با فرض برائت
۱۰۹	نتیجه
۱۱۲	منابع چکیده به زبان انگلیسی (Abstract)

علائم اختصاری

	ج	جلد
۱۳۷۸	ق.آ.د.ک.	قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب
۱۳۷۹	ق.آ.د.م.	قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب
۱۳۱۱	ق.ت.	قانون تجارت مصوب
۱۳۷۰	ق.م.ا.	قانون مجازات اسلامی مصوب
۱۳۰۷	ق.م.	قانون مدنی مصوب

مقدمه

بند ۱ - بیان و تحلیل پیشینه تحقیق در زمینه مرتبط به این پایان نامه

به دلالت گواهی شماره ۳۳/۲۱۶۸۵ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تحقیقات انجام شده که تاحدی مرتبط به تحقیق موضوع این پایان نامه هستند، از قرار زیر می باشند:

- ۱ - اماره تصرف
- ۲ - حدود اعتبار اماره تصرف و مطالعه تطبیقی آن
- ۳ - بررسی نقش اماره تصرف در دعوی خلع ید از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق ایران
- ۴ - ارزش اماره تصرف (قاعده ید) در اثبات مالکیت در حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق مصر
- ۵ - بررسی مبنا، حدود اعتبار و تعارض امارات در قانون مدنی ایران و مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق مدنی مصر
- ۶ - امارات در حقوق مدنی ایران
با التفات به مراتب بالا، ملاحظه می شود که:
الف) عنوان دوم (حدود اعتبار اماره تصرف ...)، عنوان سوم (نقش اماره تصرف در دعوی خلع ید ...) و عنوان چهارم (ارزش اماره تصرف در اثبات مالکیت ...) از شقوق عنوان اول (اماره تصرف) یا بخش خاصی از آن می باشند که بدان معنا است که عنوان اول نسبت به سه عنوان دیگر مذکور، بسیار کلی بوده است.
ب) عنوان دوم هرچند لزوما مترادف با عنوان اول نیست، ولی در واقع بخش عمده ای از مطالب تحت شمول عنوان اول را می پوشاند.
ج) در مواردی که بتوان مالکیت را با اماره تصرف ثابت شده دانست، طبعاً از متصرف خلع ید می شود؛ و با این تعبیر تفاوت خاصی میان عنوان سوم و چهارم (جز در مباحث تطبیقی) دیده نمی شود.
د) عنوان پنجم (بررسی ... امارات در قانون مدنی ایران و مطالعه تطبیقی ...) در واقع، تکرار همان عنوان ششم (امارات در حقوق مدنی ایران) است جز این که عنوان پنجم برخلاف عنوان ششم، به پاره ای مطالعات تطبیقی پرداخته است.

با عنایت به تحقیقات مرتبط به شرح فوق، می‌بینیم که چهار عنوان اول تنها به یک اماره -اماره ید که اماره‌ای قانونی و نسبی است- پرداخته‌اند؛ و عناوین پنجم و ششم نیز به بررسی امارات در قلمرو حقوق مدنی ایران پرداخته‌اند.

اماره عبارت است از اوضاع و احوالی که نزد مقنن یا قاضی، دلیل امری تلقی شده است. اماره از جهتی بر دو نوع است: مطلق و نسبی. اماره مطلق آن است که اجازه اثبات خلاف آن داده نمی‌شود و در باره اماره نسبی، عکس این معنا صادق است.

در مقایسه، دامنه تحقیق در پایان‌نامه حاضر تحت عنوان «امارات مطلق و نسبی در حقوق ایران» بیش از شش عنوان فوق است. زیرا، خود را منحصر به یک اماره نکرده و مضافاً حیطة تحقیق خود را مقید به امارات موضوع قانون مدنی ننموده است و هر اماره -مطلق یا نسبی- در قلمرو حقوق ایران (نه فقط حقوق مدنی) را مدنظر قرار داده است هرچند به سبب اجتناب از اطاله کلام، خود را منحصر به امارات موضوع قوانین اصلی حقوق ایران -قانون اساسی، قانون مدنی، قانون تجارت، قانون مجازات اسلامی، ق.آ.د.م، ق.آ.د.ک.- نموده است.

بند ۲ - روش تحقیق در این پایان‌نامه

به تناسب موضوع تحقیق (امارات مطلق و نسبی در حقوق ایران)، لزوماً روش تحقیق از نوع کتاب‌خانه‌ای توأم با اخذ نظریات مشورتی اساتید محترم راهنما و مشاور بوده است. در این راستا، پایان‌نامه‌های مرتبط به موضوع که در بندهای قبل آمدند، به حد ضرورت مورد مطالعه قرار گرفتند.

موضوع این پایان‌نامه بیش از هرچیز به بخشی از حقوق مرتبط است که به ادله اثبات یک ادعا -حقوقی یا کیفری- می‌پردازد با این توضیح که مباحث مربوط به ادله اثبات امور حقوقی (از جمله، امارات) عمدتاً در قانون مدنی، قانون تجارت و قانون آیین دادرسی مدنی، و ادله اثبات امور کیفری (از جمله، امارات) عمدتاً در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری آمده‌اند. از این رو، علاوه بر منابع موضوع پاراگراف قبل، لازم بوده که مواد مرتبط از قوانین فوق، یک به یک، مورد مطالعه عمیق قرار گیرند (روش استقراء) و ایضاً دکترین حقوقی و بعضاً آرای قضایی در بخش مرتبط به تفسیر این مواد، نیز مورد استفاده

(با حفظ امانت) قرارگیرد که فهرست منابع در آخر پایان‌نامه (بیش از ۷۰ منبع) گویای این معنا است.

بند ۳ - طرح کلی مباحث

علاوه بر این مقدمه و نتیجه که در آخر خواهد آمد، پایان‌نامه حاضر دارای یک مقدمه و سه فصل است (کلیات، امارات مطلق، امارات نسبی). به تبع رویه موجود در فرانسه که در دانشگاه‌های ایران هم نفوذی جدی یافته، به نحو موفقیت آمیزی، سعی شده است تا حجم مطالب در هر فصل، مشابه حجم مطالب در هر فصل دیگر باشد.

فصل اول تحت نام «کلیات»، عمدتاً به اموری می‌پردازد که عبارت هستند از دلیل، انواع ادله اثبات (کیفری یا حقوقی)، تفاوت استاندارد اثبات یک بزه با استاندارد اثبات یک امر حقوقی و تقسیمات اماره.

فصل دوم تحت نام «امارات مطلق»، جمعا در ۱۶ گفتار با عناوین متعدد فرعی، متعرض امارات مطلق در قلمرو قانون مدنی، قانون آیین دادرسی مدنی، قانون تجارت، قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری مورد بحث قرار گرفته است، بدون آن‌که خود را در مقام بیان تمام امارات مطلق موضوع این قوانین یا دیگر قوانین ایران قرار داده باشد.

فصل سوم تحت نام «امارات نسبی»، جمعا در ۱۸ گفتار با عناوین متعدد فرعی، متعرض امارات نسبی در قلمرو قانون اساسی، قانون مدنی، قانون آیین دادرسی مدنی، قانون تجارت، قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، مورد بحث قرار گرفته است، بدون آن‌که خود را در مقام بیان تمام امارات نسبی موضوع این قوانین یا دیگر قوانین ایران قرار داده باشد.

فصل اول

کلیات

موضوع این پایان نامه مربوط به امارات است که بخشی از مقوله ادله اثبات دعوا یا شکایت (حقوقی یا کیفری) است که خود مرتبط به مقوله آیین دادرسی چه مدنی و چه کیفری - و جلد سوم قانون مدنی است.

از این رو، لازم می‌دانم تا کلیات این نوشتار را به بیان مقدمه، تعریف دلیل و اقسام ادله اثبات (در امور حقوقی و در امور کیفری) که از جمله این ادله همانا امارات است، اختصاص دهم و در عین حال به اقسام امارات نیز بپردازم. حق از آغاز تاریخ تمدن بشری خود رانیاژمند دلیل دیده و تشخیص و اجرا و استقرار حق در هنگام اختلاف، بدون وجود واقعه دلیل جز باتوسل به زور ممکن نبوده است. اما توسل به زور و قهر و غلبه، به شهادت تاریخ حیات بشر در موارد بسیاری خود موجب تضييع حق و استقرار باطل گردیده و وانگهی هر ذی‌حق توانایی نیل به حق خود را باتوسل به زور نداشته و ندارد. بنابراین در جوامع متمدن و منظم وجود دستگاه قضایی و رسیدگی بدلائل دعاوی مردم و صدور و اجرای حکم نسبت به آنها قطع نظر از درجه تمدن و چگونگی سیستم های مختلف اقتصادی و سیاسی و مفهوم متغیّر حق و عدالت ضرورت اجتماعی داشته و دارد، هر قدر زندگی انسانی پیشرفت نموده و سطح تمدن بالاتر رفته است اثبات حق بیشتر مستلزم دلیل گردیده و در عین حال در کم و کیف دلایل تغییرات و تحولاتی رخ داده است.

دلیل از حالت ابتدایی، ساده و مذهبی خود تکامل یافته و حالات مرکب و پیچیده ای نیز همچون اسناد و کارشناسی به خود پذیرفته است. تکامل و پیچیدگی دلایل در حقیقت جوابگوی مشکلات و دشواریهای جدید و متنوع اجتماعی و اخلاقی در روابط و مناسبات حقوقی روز افزون و متغیّر افراد جامعه است که زندگی ساده و جوامع اولیه بشر از چنین مشکلات و این مناسبات فارغ بوده است. به هر حال دوره‌ی قانونی پدید گردیده و از ارمغان های علم بشری در حل معضلات حقوقی و قضایی استمداد شده است به نحوی که مثلاً اینک، در دسترس بودن آزمایش دی. ان. آ. ما را از اماره فراش که موثر در اثبات نسب و وقوع یا عدم زنا یا وطی شبهه است؛ و انگشت نگاری و دوربین‌های مدار بسته و دستگاه دروغ سنجی ما را از بسیاری ادله سنتی کشف جرم بی‌نیاز نموده است. کما این که ترقیات فعلی طبعاً فرض طرق غیر متمدنانه اثبات را دوئل (پیکار تن به تن) و اوردالی (قضاوت ایزدی) - را هم منتفی نموده است.

—مانند شکنجه،

گفتار اول: تعریف دلیل و اثبات

مبحث اول: دلیل

دلیل که جمع آن ادله و دلایل است معنای لغوی آن «راهنما»، «رهنمون»، «راه نماینده»، «نشان» و «علامت» است.^۱ در اصطلاح عرف به چیزی اطلاق می شود که امر مجهولی را ثابت نماید. در اصطلاح حقوق، عبارت از عامل اثبات حقیقت امری که مورد ادعا یکی از اصحاب دعوی و انکار دیگری می باشد.^۲ ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی دلیل را چنین تعریف نموده است: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی به آن استناد می نمایند».

مبحث دوم: اثبات

اثبات در معنی ثابت گردانیدن، پابرجا کردن و وجود امری را ثابت کردن می باشد.^۳ اثبات به دنبال ثبوت است. ثبوت تحقق امر در مرحله داخلی و واقعی است و اثبات تحقق امر در مرحله استدلال می باشد. هر صاحب حق باید آن چنان دلیل در اختیار داشته باشد که هر لحظه حق مرحله ثبوتی، بتواند در مرحله اثبات نشانده شود. هر حقی محتاج قدرت اثبات است اگر توانایی اثبات حق نباشد، چه بسا مورد احترام قرار نگیرد. مرحله ثبوت حق مرحله وجود واقعی حق است و مرحله اثبات حق مرحله نمایانند و محرز ساختن آن، در دادرسی است. دارنده واقعی حق اگر حقی در معرض انکار قرار گیرد، باید با دلیل آن را اثبات کند و اگر دلیل نداشته باشد، مانند کسی است که اصلاً حق ندارد. در این صورت با اینکه در هر مرحله ثبوت، صاحب حق بوده در مرحله اثبات دارنده حق شناخته نمی شود.

^۱ دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲ لغت نامه، ج ۷، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۹۷۳۵.

^۲ مدنی، جلال الدین، ۱۳۷۸، ادله اثبات دعوی، چاپ دهم، انتشارات پایدار، ص ۱۴.

^۳ مدنی، جلال الدین، همان، ص ۱۵.